

# تبیین نقش و جایگاه کیوریتور در فرایند شکل‌گیری جریان‌های هنری معاصر

سوانا بغوزیان\*

محمد معین‌الدینی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۴

## چکیده

کیوریتور، امروزه، با تغییر کارکرد سنتی خود به سوی شیوه‌های نوین، در تمامی عرصه‌های هنری ورود کرده و پیوندی تنگاتنگ با چگونگی عرضه هنرها دارد، بدین‌جهت می‌تواند در دیده شدن و آگاهی‌بخشی در باب یک جریان هنری تأثیر مستقیم و مؤثری داشته باشد. بدین‌لحاظ این پژوهش ارتباط میان فعالیت کیوریتور در یک نمایشگاه هنری و شکل‌گیری جریان‌های هنری را واکاوی کرده و برای مشخص ساختن این مسئله، دو سؤال اساسی را مطرح می‌کند نخست آنکه، نقش و جایگاه کیوریتور در فرایند شکل‌گیری جریان‌های هنری معاصر چیست و دوم، چگونه یک کیوریتور می‌تواند بواسطه برگزاری نمایشگاه به یک جریان هنری هویت بیرونی بخشد؟ لذا، هدف این نوشتار در اول، تبیین وظایف کیوریتور در یک نمایشگاه هنری و سپس بسط آن برای آشکارسازی نقش و جایگاه کیوریتور در جریان‌سازی‌ها است. بدین‌ترتیب، این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با الگو قرار دادن دو نمونه شاخص و تأثیرگذار جهانی با پیگیری گام‌به‌گام فرایند نمایشگاه‌سازی از خلق ایده تا اجرا، به آشکارسازی وظایف کیوریتور در نمایشگاه هنری پرداخته و به مشخص‌سازی نقش و جایگاه کیوریتور در روند جریان‌سازی‌های هنری می‌پردازد. یافته‌ها و بررسی‌های این نوشتار نشان می‌دهند که کیوریتور به عنوان یک شخصیت واسط در دنیای هنر و کسی که ارتباط مستقیم با چگونگی نمایش هنر دارد، در زمینه شکل‌گیری جریان‌های هنری می‌تواند با پیروی از الگوهای مدیریتی و نمایشگاهی صحیح نقش مستقیم و مؤثری داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** کیوریتور، نمایشگاه‌گردان، هنرگردان، جریان هنری، هنر معاصر.

## مقدمه

کیوریتور<sup>۱</sup> و مبحث کیوریتوری، هم از نظر عملی و هم از بُعد نظری، دگرگونی‌های قابل توجه‌ای را از دهه ۱۹۶۰ م. به این سو تجربه کرده است. جهانی‌سازی<sup>۲</sup> رشد دوسالانه‌ها<sup>۳</sup> و در نتیجه اهمیت یافتن کیوریتور در عرصه نمایشگاهی و موزه‌ای، جملگی بخشی از عواملی بودند که منجر به بازتعریف مقوله کیوریتوری در ارتباط با هنر معاصر شدند. از این دوران به بعد، نام کیوریتور به یکی از ارکان اعتبار بخش رویدادهای هنری تبدیل شد و با اهمیت یافتن این مقوله از جمله تحولات مهمی که هنر معاصر به خود دید، قابلیت جریان‌سازی کیوریتور در هنر بود که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به نمایشگاه‌های مورد مطالعه متن پیش رو با عنوان «سازهای ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی»<sup>۴</sup> (۱۹۶۶ م.) و «ترافیک»<sup>۵</sup> (۱۹۹۶ م.) اشاره کرد. نمایشگاه‌هایی که زمینه‌های شکل‌گیری، معرفی و تثبیت جریان‌های هنری «هنر مینیمال»<sup>۶</sup> و «هنر رابطه‌ای»<sup>۷</sup> را فراهم ساختند و آن‌ها را در قلمروی مرزهای جهانی هنر مطرح کردند. در واقع، این نمونه‌ها نشان از آن دارند که در هنر امروز، کیوریتور از وظیفه‌ی سنتی خود یعنی «سازمان‌دهنده‌ی صرف نمایشگاه» فاصله گرفته و نقش فعال‌تری در زمینه توزیع و تولید هنر پیدا کرده است. به عبارتی کیوریتور در مدار مرکزی برگزاری نمایشگاه‌های هنر قرار گرفته است و تأثیر مهمی بر روند پیشروی هنر دارد. با در نظر گرفتن این مقوله، ضرورت بررسی این موضوع از آنجایی شکل می‌یابد که با توجه به پیشینه هنری کیوریتور در عرصه‌ی جهان و تلاش‌هایی که این کارگزاران هنری و فرهنگی در حوزه نمایشگاهی و در زمینه معرفی هنرمندان، گرایش‌ها و جریان‌های هنری، و حتی مطرح شدن هرچه بیشتر آن کرده‌اند، این مسئله به طور مستقیم مورد توجه قرار نگرفته است و بدین ترتیب نمایشگاه‌های فوق‌الذکر به عنوان دو الگوی شاخص به صورت مبسوط مورد واکاوی قرار خواهند گرفت و پله‌به‌پله از نحوه شکل‌گیری ایده تا مقبولیت این نمایشگاه‌ها را با توجه به منابع در دسترس، مطالعه خواهند کرد. ضرورت دیگر در پرداختن این موضوع،

مطرح شدن هر چه بیشتر مقوله کیوریتور و کیوریت کردن در بستر هنر ایران از اوایل دهه ۱۳۹۰ خ. و سپس علاقه به ایجاد جریان‌های هنری است که دهه‌هاست بخش مهمی از تلاش هنرمندان و متولیان فرهنگی را به خود اختصاص داده است. این مهم به وضوح در تاریخ هنر معاصر ایران و در برگزاری دوسالانه‌های داخلی تا جشنواره‌های بین‌المللی مانند «جشنواره هنرهای تجسمی فجر» و «جشنواره جهانی هنر مقاومت» قابل مشاهده است، اما، با این وجود، حضور و اهمیت کیوریتور با آنکه از سوی نهادهای خصوصی کمابیش مقبولیت یافته است، در نمایشگاه‌های بزرگ‌مقیاس و عرصه نمایشگاه‌های ملی همچنان کارکرد و سلسه‌مراتب تعریف شده‌ای ندارد. بنابراین، تحقیق حاضر مطرح می‌سازد که چنانچه بخواهیم بر روند جریان‌سازی در هنر معاصر ایران مطالعاتی را انجام دهیم و طریقه ایجاد گرایش‌ها و تثبیت آن‌ها را واکاوی کنیم، بخشی از آن را می‌توان معطوف به نقش کیوریتور در نظر گرفت. لذا، هدف اصلی پژوهش حاضر پرداختن به چگونگی نقش کیوریتور در شکل‌بخشی به جریان‌های هنری از طریق تولید نمایشگاهی و در وهله دوم فراهم‌آوری الگو و مثالی برای کیوریتورهای فعال در ایران در مورد نحوه برگزاری نمایشگاه‌ها در جهت ایجاد، معرفی و تثبیت جریان‌های هنری این مرز و بوم با طرح این سؤال است که کیوریتور چگونه می‌تواند در قالب یک حرفه، یک واسطه<sup>۸</sup> و تسهیل‌گر در شکل‌گیری یک جریان هنری تأثیر بگذارد؟

## پیشینه تحقیق

در زمینه کنش‌های نمایشگاهی و فعالیت جریان‌ساز کیوریتوری، پژوهش مستقل و جامعی در قالب مقالات علمی-پژوهشی در ایران صورت نپذیرفته است، اما، در مطالعات دانشگاهی در شکل پایان‌نامه‌ها مواردی چند وجود دارد. از این میان می‌توان به پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه تطبیقی نمایشگاه‌گردانی در ایران و غرب با تأکید بر نقش اجتماعی هنر» به نگارش رودابه تنکرمی باقری‌نژاد (۱۳۹۷) اشاره داشت که در آن بر اساس «طرح الماس

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و قصد دارد الگویی برای کیوریتوری نمایشگاه در ارتباط با جریان‌سازی در هنر به دست دهد. این تحقیق، با ماهیت کیفی و مطالعه اسنادی به توصیف کیوریتور «سازمانی» و «مستقل»، ترسیم نقش و تحلیل جایگاه آن در ارتباط با جریان‌سازی‌های هنری در هنر معاصر می‌پردازد. بدین منظور، دو نمایشگاه شاخص جهانی در ارتباط با «هنر مینیمال» و «هنر رابطه‌ای»، با نام‌های «سازهای ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی» به کیوریتوری کیناستون مک‌شاین<sup>۱۶</sup> و «ترافیک» به کیوریتوری نیکولا بوریو<sup>۱۷</sup> به عنوان نمونه‌های پژوهش انتخاب شده‌اند. طی فرایند پژوهش، در نمایشگاه‌های اشاره شده، به صورت جزبه‌جز (بر اساس اطلاعات موجود و در دسترس)، عملکرد کیوریتور در فرایند سازمان‌دهی این نمایشگاه‌ها از ایده تا اجرا مورد واکاوی قرار گرفته تا در راستای پاسخ به مسئله پژوهش، الگویی از نقش کیوریتور در ارتباط با جریان‌سازی در هنر را به دست دهد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل مستندات و قلمرو مکانی و زمانی تحقیق، هنر معاصر جهان و در مورد نمونه نمایشگاهی اول - «سازهای ابتدایی» - کشور آمریکا در سال ۱۹۶۶ م. و در مورد الگوی نمایشگاهی دوم - «ترافیک» - کشور فرانسه در سال ۱۹۹۶ م. است. باید اشاره داشت که انتخاب این نمایشگاه‌ها بر اساس بازه زمانی، ماهیت هنر نمایش داده شده و حتی نوع کیوریتور نبوده و صرفاً موفقیت نمایشگاه در زمینه یک جریان هنری خاص و برخورد کیوریتور در این زمینه فارغ از عوامل دیگر مورد توجه بوده تا بتواند دریافت و ادراکی متناسب را در این خصوص شکل بخشد.

### مفهوم‌شناسی

واژگان و اصطلاحات خاص (نام مشاغل، جریان‌های هنری، مکان‌ها و غیره) به کار برده شده در این نوشتار در بیشتر موارد به شکل مرسوم و شناخته‌شده غیرفارسی آن نوشته شده‌اند و در مواردی به علت متناسب و مرسوم نبودن ترجمه فارسی، همان برابر واژه انگلیسی

فرهنگی<sup>۱۸</sup> و ویکتوریا دی الکساندر<sup>۱۹</sup> موضوع کیوریتوری در غرب و ایران به صورت تطبیقی بررسی شده و با توجه به نقش اجتماعی هنر، اهمیت کیوریتور در سیستم توزیع هنر مشخص شده است. نمونه قابل تأمل بعدی، پایان‌نامه دکترای تخصصی با نام «تحلیل گفتمان کیوریتینگ در هنر معاصر ایران» به قلم الهام پوریامهر (۱۳۹۵) می‌باشد که به گفتمان کیوریتوری و تاریخچه این حوزه در ایران و جهان می‌پردازد. در منابع خارجی و در دسترس پژوهشگران نیز، از میان مطالعات انجام شده که می‌تواند در ارتباط با موضوع تلقی شود، می‌توان به مقاله یوا ویتکوسکایته<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۵) تحت عنوان «نقش کیوریتور مستقل در یک نمایشگاه هنری» اشاره کرد. این نوشتار به تحلیل جایگاه «کیوریتور مستقل»<sup>۱۲</sup> در روند نمایشگاه‌سازی می‌پردازد و رویکردها و شیوه‌های رایج در آن را معرفی، شرح و بررسی می‌کند. نگارنده این مقاله، در این متن، همچنین، با طبقه‌بندی کیوریتور به دو دسته «مستقل» و «سازمانی»<sup>۱۳</sup> تعاریف رایج را از دیدگاه نظریه پردازان مختلف شرح می‌دهد. ویتکوسکایته، بعلاوه، با بررسی وظایف کیوریتور در نمایشگاه‌های هنر، روند فراهم‌سازی، فرایندهای اجرایی، بررسی‌ها و ارزیابی‌هایی که «کیوریتور مستقل» صورت می‌دهد و همچنین عوامل تأثیرگذار در یک کیوریتوری موفق را مورد مذاقه قرار می‌دهد. مقاله دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، مقاله گنج‌ا اصلان<sup>۱۴</sup> و چائری بولوت<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۴) با عنوان «نقش کیوریتور در عصر پست-مدرن: یک مدیر، یک رهبر، یک مبدع یا همه این‌ها؟» است که با بررسی نقش کیوریتور در عصر پست‌مدرن، نه تنها آن را یک واسط میان مخاطب، اثر هنری و هنرمند معرفی می‌نمایند، بلکه به آن شخصیتی چندوجهی داده و نقش‌ها و شایستگی‌های مختلف کیوریتور را به بحث می‌گذارد. با توجه به آنکه تحقیقات اغلب پژوهشگران به صورت متمرکز به بررسی و مشخص‌سازی گام‌به‌گام وظایف کیوریتوری و کنش‌های نمایشگاهی صورت گرفته در روند هنری نمی‌پردازد، نگارندگان این تحقیق با الگو قرار دادن دو نمایشگاه در سطح جهانی به بررسی این موضوع می‌پردازند.

نمونه آن کیوریتورهای هستند که از سوی گالری‌ها استخدام می‌شوند و یا در موزه‌ها در بخش‌های بخصوص به فعالیت مشغولند. در مقابل، «کیوریتور مستقل» شخصی است که وظایفش محدود به حفظ و نگهداری اژه‌ها و آثار هنری نمی‌گردد و در رویدادهای هنری به شکل بخشی فرایندهای هنری می‌پردازد. این شخصیت وابسته به هیچ نهاد خاصی نیست و به عنوان واسطی برای هنرمند، نهاد و مخاطب در نظر گرفته می‌شود. این دسته از کیوریتورها اغلب به اجرای پروژه‌های مستقل پرداخته و در سازمان‌های مختلف و یا نهادهای مجزا به کار مشغولند (Graham and Cook 2010). نمونه آن کیوریتورهایی هستند که برای دوسالانه‌های معروف و موزه‌ها به صورت مستقل به فعالیت و ایده‌پردازی می‌پردازند. در تعریف اصطلاح «جریان هنری»<sup>۱۸</sup> جنبه‌های مختلفی می‌تواند در نظر گرفته شود، اما به طور کلی «منظور از جریان هنری، خیزش‌هایی است که هنرمندان دارای افق دید مشترک و دغدغه‌های یکسان به وجود آورده‌اند و به دلیل تمایز تکنیکی و محتوایی در مقایسه با جریان‌های قبلی و جریان‌های همزمان، به منزله جریانی هنری و مستقل نام‌گذاری می‌شوند. جریان‌های هنری می‌تواند ادامه‌دهنده جریان‌های هنری قبل و یا در امتداد آن‌ها نیز باشد» (بابایی‌فلاح، ۱۳۹۷: ۸۹ و ۹۰). جریان‌های هنری عموماً یک فراگیری نسبی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی، از حوزه‌های بومی گرفته تا بین‌المللی پیدا می‌کنند و نقش مهمی در تثبیت برخی از آراء و هنرمندان در یک دوران خاص دارند.

### نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی» بستر جریان مینیمالیسم

«سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی» عنوان نمایشگاهی است که در سال ۱۹۶۶ میلادی به کیوریتوری کیناستون مک‌شاین در «جویش میوزیوم»<sup>۱۹</sup> نیویورک برگزار شد و بعد از نمایشگاه «سفید سیاه + خاکستری»<sup>۲۰</sup> که دو سال قبل‌تر (۱۹۶۴ م.) در «موزه هنر وادزورث آنتیوم»<sup>۲۱</sup> برگزار شده بود،

به کار رفته است، در پاره‌ای از موارد، به علت متداول بودن لغت فارسی در ادبیات تخصصی، از برابر واژه فارسی آن استفاده شده است. واژه «کیوریتور» به طور مشخص از این نمونه‌هاست. معادل‌های فارسی برای کیوریتور از تنوع زیادی برخوردارند و طیفی از ترجمه‌های گوناگون را شامل می‌شوند، «سرپرست»، «نمایشگاه‌گردان»، «هنربان» از مرسوم‌ترین ترجمان‌ها هستند و برگردان‌هایی چون «هنرگردان، سامانده کارنما، موزه‌دار» (پاکباز، ۱۳۹۵: ۴۷)، «موزه‌بان و گالری‌بان» (شاکر و گودرزی، ۱۳۹۶: ۴۶) نیز در کتب مشاهده می‌گردند. این معادل‌های فارسی با توجه به کارکرد، نقش و وظایف مستتر در واژه «کیوریتور» نمی‌توانند تمامی جنبه‌های این واژه را پوشش دهند، بنابراین این مقاله دقیقاً از معادل انگلیسی آن استفاده می‌کند. با این توضیح، و برای داشتن درکی مشترک و واحد از واژگان پرکاربرد اصلی تحقیق یعنی «کیوریتور» و «جریان هنری»<sup>۱۸</sup> به توصیف این دو مقوله می‌پردازیم. اصطلاح کیوریتور در دنیای هنر به کسی نسبت داده می‌شود که با دانش و تجربه هنری خود، آثار هنری را در نمایشگاه، گالری، موزه و هر نهاد هنری و غیرهنری دیگری مدیریت می‌کند و به نمایش می‌گذارد. وی همچنین کسی است که می‌تواند در طراحی نمایشگاهی و روند خلاقه تولید اثر هنری نقش مستقیم و مؤثری ایفا نماید (هوفمان، ۱۳۹۷). در ارتباط با تعریف و نقش کیوریتور و همچنین جایگاه او دسته‌بندی‌های زیادی وجود دارد که آنچه ارتباط بیشتری با موضوع این مقاله دارد، دسته‌بندی «کیوریتور سازمانی» و «کیوریتور مستقل» است. منظور از «کیوریتور سازمانی» (وابسته یا سنتی) کسی است که برای گالری‌ها، موزه‌ها و یا هر نهاد هنری دیگر به کار می‌پردازد. این دسته از کیوریتورها مسئولیتشان در اندوختن، نگهداری و نمایش اژه‌های هنری خلاصه شده و نقش‌شان وابسته به سیاست‌های هر نهاد می‌باشد و از هر سازمانی به دیگری متفاوت است. این کیوریتورها، با توجه به وابستگی خود به نهادی که در آن مشغول به فعالیت هستند، آزادی کمتری دارند و در نتیجه بروز خلاقیت از سوی آن‌ها محدود می‌گردد (Vitkauskaitė: 2015).



شکل ۱. نمایی از نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی». ۱۹۶۶ م. «جویش میوزیوم». نیویورک.

(Martinique 2019).

دومین نمایشگاه عظیمی بود که به هنر مینیمالیستی اختصاص داشت (Singsen 2011) (شکل ۱). اما تفاوتی که نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی» با نمایشگاه «سفید سیاه + خاکستری» داشت در آن بود که این نمایشگاه اولین نمایشگاه جامع بر این نوع هنر بود و باعث شد تا آنچه که ما به‌عنوان «هنر مینیمال» می‌شناسیم (که پیش از آن با عناوین متعددی شناخته می‌شد)<sup>۲۲</sup> به مخاطبان آمریکایی معرفی شود (Ibid 2011) (باید ذکر کرد که هنر مینیمالی که مک‌شاین در آن زمان «هنر جدید» خواند، هنری علیه رویکردهای مدرنیستی کلمنت گرینبرگ<sup>۲۳</sup> و «اکسپرسیونیست انتزاعی»<sup>۲۴</sup> و نمایندگان برجسته آن جکسون پولاک<sup>۲۵</sup> و بارنت نیومن<sup>۲۶</sup> بود). اهمیت این نمایشگاه تا بدان حد رسید که در سال ۲۰۱۴ م. کیوریتور معروف کاستاریکایی ینس هوفمان،<sup>۲۷</sup> نمایشگاهی مشابه، درست در همان مکان اما این بار با نام «سازه‌های ابتدایی دیگر»<sup>۲۸</sup> و با دیدی جهانی‌تر، یعنی با تمرکز بر دیگر هنرمندان فعال از قلم افتاده آن سال‌ها که در حاشیه و نه در مراکز مهم هنری فعال بودند برگزار کرد (Wallace 2014).

ایدهٔ ابتدایی این نمایشگاه، اولین بار توسط لوسی لیپارد<sup>۲۹</sup> و کیناستون مک‌شاین در سال ۱۹۶۵ م. زمانی که هر دو در «موزهٔ هنر مدرن»<sup>۳۰</sup> آمریکا مشغول کار بودند، خلق شد. در سال ۱۹۶۵ م. مجلهٔ «هنر در

آمریکا»<sup>۳۱</sup> مقاله‌ای از باربارا رز<sup>۳۲</sup> را به چاپ رساند که در آن به گرایش نوظهوری در میان هنرمندان جوان می‌پرداخت. البته باربارا رز این گرایش را «ای‌بی‌سی آرت»<sup>۳۳</sup> خطاب کرد. در همان سال نیز داندل جاد<sup>۳۴</sup> مقاله‌ای را با عنوان «بژه‌های خاص»<sup>۳۵</sup> به چاپ رسانید که بر فضای سه‌بعدی آثار هنری تأکید می‌کرد. درون‌مایهٔ این مقالات که مجموعه آثار هنرمندانی متفاوت، با هدفی یکسان را شامل می‌شد، مورد توجه مک‌شاین و لیپارد قرار گرفت و باعث شد بعدها زمانی که مک‌شاین کیوریتور بخش نقاشی و مجسمهٔ «جویش میوزیوم» شد نمایشگاهی از آن را در سال ۱۹۶۶ م. در آن موزه برگزار کند (Gasparina 2016). اما نکته مهمی که در اینجا اتفاق افتاد عنوانی بود که برای این نمایشگاه در نظر گرفته شد. عنوان این نمایشگاه پیامد یک هم‌اندیشی گروهی بود، «سازه»<sup>۳۶</sup> را سول لویت<sup>۳۷</sup> که خود از هنرمندان نمایشگاه بود پیشنهاد داد و «ابتدایی»<sup>۳۸</sup> توسط لیپارد و مک‌شاین انتخاب شد (Singsen 2011).

هدفی که برگزارکنندگان این نمایشگاه از ایده و عنوان نمایشگاه در نظر داشتند تمرکز بر هنرمندان «مینیمالیست» معاصر بود و شامل آثاری می‌شد که هندسی، تخت و صنعتی بودند. هدف مک‌شاین نیز به عنوان کیوریتور بیش از آنکه طبقه‌بندی این دسته از آثار باشد بیشتر کاوش ایده‌ها و فرم‌های نوین بود (URL: 1). با آنکه ایده اولیه مک‌شاین، متمرکز بر «هنر مینیمال» می‌شد، در پی انتخاب هنرمندان از گرایش‌های متنوع بسط یافت و مک‌شاین، اما در کنار کارهای کمینه‌گرایی هنرمندان در مینیمال، مجموعه‌ای از آثار انتزاعی را هم که رویکردی مشابه با کارهای مینیمالیستی و یا شاخصه‌های صنعتی داشتند و یا مرتبط با این جریان محسوب می‌شدند را نیز در نمایشگاه گنجانده (Singsen: 2011). او در مجموع آثار چهل‌ودو هنرمند را از میان هنرمندان انتزاعی و هندسی‌گرا که فرم‌های خود را بواسطهٔ تکنیک‌های سرهم‌بندی صنعتی بدست می‌آوردند برای این نمایشگاه انتخاب کرد. در میان آن‌ها چهره‌هایی نظیر رابرت موریس،<sup>۳۹</sup> کارل آندره،<sup>۴۰</sup> داندل





شکل ۲. نمایی از نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی». در این تصویر چیدمان خلاقانه و نحوه ارتباط مخاطب با فضا و اثر هنری قابل مشاهده است. ۱۹۶۶ م. «جویش میوزیوم». نیویورک. (Martinique 2019).

«هنر مینیمال» شناخته شد (Singsen 2011). آنچه که به همراه نمایشگاه، تأثیر مهمی بر درک چارچوب مفهومی و معرفی هنرمندان «هنر مینیمال» گذاشت، کاتالوگ این نمایشگاه بود که زیر نظر مک‌شاین انتشار یافت. به‌طوری‌که بعدتر این کاتالوگ به منبعی مهم برای شناخت هنرمندانی نظیر داندل جاد، کارل آندره، دن فلاوین و سول لویت تبدیل شد - هنرمندانی که پیش از این نمایشگاه عملاً ناشناخته بودند. گام بعدی که مک‌شاین برای این رخداد انجام داد تبلیغات وسیع بود. «سازه‌های ابتدایی» یکی از موفق‌ترین نمایشگاه‌ها تا آن زمان از نظر رسانه‌ای شد و نقدهای نسبتاً مثبتی را هم از سوی رسانه‌ها دریافت کرد. افتتاحیه این نمایشگاه همراه بود با دعوت از هنرمندان و بازیگران معروف و دیگر مشاهیر هنر که باعث شد توجهات زیادی به آن جلب شود و «مجله لایف»<sup>۵۰</sup> گزارش پر زرق و برقی را از این رخداد به چاپ رساند (Ibid, 2011). این نمایشگاه همچنین، با بازخوردی که در «مجله تایم»<sup>۵۱</sup>، «نیوزویک»<sup>۵۲</sup> و «آرت نیوز»<sup>۵۳</sup> داشت، القابی نظیر «هنر تقلیلی»<sup>۵۴</sup> را به خود گرفت و در یکی از گزارش‌های این مجلات که متعلق به جان اشبری<sup>۵۵</sup> بود هنری خوانده شد که علاوه بر نگاه به گذشته، بسیار پیشرو بود.

دستاوردهای نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی» فراتر از

جاد، دن فلاوین،<sup>۴۱</sup> الزورت کلی،<sup>۴۲</sup> آنتونی کارو،<sup>۴۳</sup> تونی اسمیت،<sup>۴۴</sup> سول لویت و جودی گرووینز (که اینک به جودی شیکاگو شناخته شده است)<sup>۴۵</sup> حضور داشتند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نمایشگاه که تأثیر مهمی بر روی رخدادهای دیگر از این دست گذاشت، پشتوانه نظری و فلسفی‌ای بود که برای آرایش و چیدمان این نمایشگاه در نظر گرفته شده بود. بدین صورت که این نمایش تا حدی از کتاب «پدیدارشناسی ادراک»<sup>۴۶</sup> موریس مرلوپونتی<sup>۴۷</sup> تأثیر گرفته بود. بدین لحاظ که «اثر هنری به‌مثابه شیء» که اثر را تنها، در اشغال فضای پیرامون خلاصه کرد از این کتاب به عاریت گرفته شده بود و بدین‌جهت، این نمایش تأکید نسبتاً جدیدی را بر فضا محیط اثر هنری ایجاد کرد. مطابق این خوانش، برای نخستین بار بازدیدکنندگان با آثاری مواجه شدند که در پی تعامل با مخاطب بودند و از این رو نمایشگاه آغازگر سبکی نو در ارائه ایده و آثار در ارتباط با فضا شد (Ricci 2020) (شکل ۲). بر همین اساس مک‌شاین، با توجه به تنوع آثار که به بسط ایده اولیه نمایشگاه انجامیده بود، ترتیب نمایش آثار را زیر نام دو هنرمند طبقه‌بندی و نام‌گذاری کرد: مجسمه‌ساز آنتونی کارو،<sup>۴۸</sup> به عنوان نماد سنت مدرنیستی و انتزاعی که آثار صنعتی حاضر آماده می‌ساخت و تونی اسمیت<sup>۴۹</sup> که نمایش‌گر گرایش «هنر هندسی» و «تقلیلی» می‌شد که بعدها به

یک نمایشگاه معمولی شد و تحولات مهمی را در روند برگزاری نمایشگاه‌ها و از همه مهم‌تر مفهوم کیوریتور به وجود آورد. عبارت «هنرمند به مثابه طراح»<sup>۵۶</sup> و نه الزاماً «خالق» برای نخستین بار و به علت چینش ارائه شده توسط کیوریتور، در این نمایشگاه مطرح شد. به این معنی که ایده‌های هنرمند و ارتباط آن با فضا تنها به تصمیم هنرمند ختم نمی‌شد و متکی به نتیجه نهایی بود - ایده‌ای که تصمیم کیوریتور نیز در آن نقش داشت. این نمایشگاه، همچنین، مسئله «مستندنگاری»<sup>۵۷</sup> و اهمیت آن در کار کیوریتور را برای نخستین بار مطرح ساخت، چراکه، نحوه ارائه این نوع آثار وابسته به نوع چیدمان به کار رفته و نوع تعامل با فضای نمایشگاه بودند و با پایان آن کارکرد خود را از دست می‌دادند (Gaspera-rina 2016). در هر صورت مجموعه کارهایی که مک‌شاین به عنوان کیوریتور نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی» از طراحی ایده تا اجرا و فرایند پس از آن به کار گرفت تعریف متفاوتی از کیوریتور را به نمایش گذاشت و الگویی برای بسیاری از نمایشگاه‌های هنری پس از خود شد، مک‌شاین مفهوم و کارکرد کیوریتور را از یک «جمع‌آوری‌کننده» و «نمایشگاه‌گردان» فراتر برد و جایگاه آن را قوام بخشید و حاصل آن نه فقط یک نمایشگاه بلکه کمک به جریان گرفتن «هنر مینیمال» در گفتمان هنری دهه ۱۹۶۰ م. و پس از آن بود.

### نمایشگاه «ترافیک» (۱۹۹۶ م.) بستری برای «هنر رابطه‌ای»

نمایشگاه «ترافیک» به کیوریتوری نیکولا بوریو در «موزه سی‌ای‌پی‌سی بوردو»<sup>۵۸</sup> فرانسه، نخستین نمایشگاهی است که به بررسی و جهت‌دهی هنر دهه ۱۹۹۰ م. اختصاص دارد. در این نمایشگاه بود که منتقد هنر و کیوریتور فرانسوی نیکولا بوریو برای نخستین بار از اصطلاح «زیبایی‌شناسی ارتباطی»<sup>۵۹</sup> برای توضیح کارهای هنرمندان شرکت‌کننده در آن استفاده کرد و بعد از آن در سال ۱۹۹۸ م. در کتابی به همین نام، این اصطلاح را بسط و گسترش داد. کتاب وی به یکی از تأثیرگذارترین نوشته‌های قرن بیستم مبدل شد و مبنای نظریه‌پردازی بوریو در کتابش از خلال همین نمایشگاه

شکل گرفت (Wallace 2014). نیکولا بوریو، پیش از ایده‌پردازی، سازمان‌دهی و کیوریتوری این نمایشگاه، به عنوان ویراستار، در مجله «هنر جدید»<sup>۶۰</sup> فرانسه به فعالیت مشغول بود و همان‌جا با هنرمندان نمایشگاه «ترافیک» آشنا شد. وی تحت تأثیر نمایشگاه‌هایی از جمله نمایشگاه بدون عنوانی (۱۹۹۱) که در آن فلیکس گونزالس تورس<sup>۶۱</sup> چیدمان آب‌نبات‌های خود را به نمایش گذاشت و همچنین یک نمایشگاه بدون عنوان دیگری (۱۹۹۲) که ریرکریک تیراوانیجا<sup>۶۲</sup> نمایشگاه را تبدیل به یک آشپزخانه برای سرو غذا کرده بود، به فکر افتاد تا این گروه از هنرمندان را تحت یک عنوان مشخص و در قالب یک «جریان هنری» معاصر معرفی کند (Ryan 2009). ایده مرکزی بوریو برای پرداختن به این هنرمندان، دغدغه‌مند نبودن فیلسوفان و منتقدان در ارتباط با هنر دهه ۱۹۹۰ م. و هنر معاصر بود و در مقام کیوریتور به دنبال شکل‌دادن به نمایشگاهی بود که آن را «زیبایی‌شناسی ارتباطی» خطاب می‌کرد (Gali 2015). او خودش منظور از «زیبایی‌شناسی ارتباطی» را اینگونه شرح می‌دهد:

زیبایی‌شناسی ارتباطی مجموعه‌ای از فعالیت‌های هنری [است] که از نظر تئوری و عملی بر روابط انسانی و زمینه اجتماعی برای خلق اثر هنری بیشتر از فضاهای مستقل و خصوصی تأکید دارد. [...] هدف «زیبایی‌شناسی ارتباطی» ایجاد موقعیتی اجتماعی است که تجربه مخاطب از آن محیط اجتماعی، تبدیل به اثری هنری شود [و در واقع] نقش هنرمند، فراهم‌کننده این تجربه اجتماعی است (وزیری‌بزرگ، ۱۳۹۹).

در واقع، برچسب «زیبایی‌شناسی ارتباطی» برای تشریح گرایشات هنری است که براساس روابط انسانی و زمینه‌های اجتماعی به خلق هنر می‌پردازند. بر این اساس، هنرمندان، در این بستر، بیشتر به «تسهیل‌گر» در جهت درک هنر از سوی مخاطب تبدیل شده و دیگر «خالق» یکتای اثر هنری نیستند. هنر نیز در این میان به اطلاعاتی مبدل می‌شود که میان مخاطب و هنرمند رد و بدل شده و بدین ترتیب، هنرمند حتی نقش کیوریتور را به عهده می‌گیرد (Smith 2012). به هر

تبادلات اجتماعی می‌شد که در تعامل با مشاهده‌کنندگان در درون تجربه‌های زیبایی‌شناسانه و طی فرایند ارتباطی و معاشرتی صورت می‌گرفت (Bourriaud 1996).

یکی از برنامه‌ریزی‌های کیوریتری برای این نمایشگاه، کنار هم قرار دادن همه بیست‌وهشت هنرمند شرکت‌کننده در این نمایشگاه طی دو هفته بود تا بتوانند در کنار همدیگر به صحبت در باب ایده‌ها، خوردن و آشامیدن، آماده‌سازی، سازمان‌دهی و چیدمان کارهای مختلف و زندگی بپردازند. اهمیت این کنار هم بودن‌ها و اجتماع هنرمندان برای بورئو از این جهت بود که موضوع و محوری که نمایشگاه حول آن برپا می‌شد به «فضای روابط میان انسان‌ها» تأکید داشت و تمامی این‌ها پاسخی به رواج مسئله «تعامل» در هنر معاصر بود (Freedman 1996). هنریک پلنچ جاکوبسن یکی از هنرمندان این نمایشگاه، درباره این فضا در وبسایت خود نوشت (شکل ۳):

هدف آن بود که ما به مدت دو هفته در این محیط زندگی کنیم و بازدیدکنندگان بتوانند با ما در این «جامعه جایگزین» ملاقات کنند و درباره مفاهیم این آثار و همچنین سایر الگوهای جایگزین جامعه بحث کنند. با این وجود، پس از افتتاحیه که به سه روز انجامید و پس از پایان تمام رویدادها و نمایش‌ها، نمایشگاه به یک نمایشگاه کاملاً سنتی تغییر شکل داد (Jakobsen 1996).

همان‌طور که ذکر شد ایده نمایشگاه «ترافیک»، مناسب با چارچوب نظری بورئو و بر پایه تعامل مخاطب، اثر هنری و هنرمند شکل یافته بود، در نتیجه وی مبنای کار خود را بر جنبش‌هایی چون «دادا»،<sup>۷۲</sup> «هنر مفهومی»،<sup>۷۳</sup> «مینیمالیست» و آثار هنرمندان و گروه‌هایی مانند جان کیج،<sup>۷۴</sup> «فلوکسوس»<sup>۷۵</sup> و رویدادهای آلن کاپرو<sup>۷۶</sup> استوار کرد با این تفاوت که در اینجا مخاطب نقش محوری در شکل‌گیری اثر هنری دارد. به‌عنوان مثال، «هنر مینیمالیستی» به مسئله مشارکت مخاطب به عنوان امری پدیدارشناسانه نگاه می‌کرد، در حالی که این نمایشگاه و هنر دهه ۱۹۹۰ م. به این موضوع از لحاظ عملی پرداخته و به استفاده از آن معطوف بود. انتخاب عنوان «ترافیک» نیز بر همین

ترتیب، «ترافیک»، یکی از اولین تلاش‌ها در زمینه طبقه‌بندی، بررسی، جهت‌دهی و نام‌گذاری هنر دهه ۱۹۹۰ م. بود که توانست اصطلاح «هنر ارتباطی» را برای این دسته از آثار تثبیت کند. تا پیش از آن معمولاً آثار هنرمندان زیر مجموعه «هنر ارتباطی» را با عناوینی چون «هنر مفهومی نو»،<sup>۶۳</sup> «فلوکسوس نو»<sup>۶۴</sup> و یا «پست فلوکسوس»<sup>۶۵</sup> می‌شناختند که از دید کیوریتر این نمایشگاه نمی‌توانست عنوان و معیار دقیقی برای دسته‌بندی این آثار باشد. در نهایت، نمایشگاه «ترافیک» با جمعی از بیست‌وهشت هنرمند شکل گرفت که در آن نام‌هایی مانند ریرکریت تیراوانیجا، فیلیپ پارنو،<sup>۶۶</sup> لیام گیلیک<sup>۶۷</sup> و پیر هیوگه،<sup>۶۸</sup> ماریزیو کاتلان،<sup>۶۹</sup> ونسا بیکرافت،<sup>۷۰</sup> هنریک پلنچ جاکوبسن<sup>۷۱</sup> و دیگران دیده می‌شد. با توجه به نوع هنرمندان و سابقه فعالیتشان، هدف این نمایشگاه، نمایش آثاری بود که بواسطه‌ی چیدمان و رویدادهای تعاملی، اجماع هنرمندان و شرکت‌کنندگان را سهل سازد. بر این اساس، هرچند هنرمندان انتخاب شده و شرکت‌کننده در این نمایشگاه از لحاظ سبکی، موضوعی و یا نشانه‌شناسی هیچ اشتراکی نداشتند - چیزی که بعدها مورد انتقاد منتقدان قرار گرفت - اما آنچه میان تمامی آن‌ها یکسان بود و مد نظر کیوریتر آن قرار داشت، جنبه مشترک در افق نظری و عملی فعالیت‌های هنری آن‌ها بود که ارتباط و تعامل با مردم و مخاطبان را شامل می‌شد؛ آثار آن‌ها، شامل طیف وسیعی از رسانه‌ها و دربرگیرنده الگوهای



شکل ۳. «ترافیک». ۱۹۹۶ م. نمایی از فعالیت‌های صورت گرفته در حین برگزاری نمایشگاه. «موزه هنر معاصر سی‌ای‌پی‌سی بوردو».

(Jakobsen 1996).



کیوریتور نمایشگاه و «تعاملی» که وی با «جامعه» به دنبال آن بود را برای تشریح «هنر جدید» آن دوران مبهم ارزیابی کردند؛ برخی نیز انتخاب فضای موزه و دیوارهای سترگ و سنگی آن برای ارائه چنین هنری نامناسب دانستند (Tsingou 1996). در نهایت، علیرغم نقدهایی که بر چرایی انتخاب موزه به‌عنوان مکان نمایش مطرح شد، اما بوربو به هدف خود رسید و آن تبدیل فضای موزه به مکانی برای تعامل و زندگی بود. آنچه که از آن پس بخشی جدایی‌ناپذیر در روند آموزش موزه‌ها شد (هرچند که این رخداد تازه‌ای نبود و پیش از آن به صورت‌های دیگری توسط کیوریتورها و مدیران پیشروی موزه‌ها انجام شده بود). نظریه «زیبایی‌شناسی ارتباطی» که مبانی شکل‌گیری این نمایشگاه بود، توانست مجموعه‌ای از آثار را زیر عنوان «هنر ارتباطی» دسته‌بندی کند و به تبع آن توانست یک جریان هنری را معرفی و نام‌گذاری کند که به یکی از جریان‌های اصلی هنر معاصر تبدیل شد.

### بررسی مشخصات کلی دو الگوی نمایشگاهی ارائه شده

در این بخش در جهت بررسی کار کیوریتوری انجام شده در دو نمایشگاه، مشخصات کلی و فرایندهای

اساس صورت‌گرفت، چراکه، هدف نمایشگاه، مشارکت و کنش‌ورزی مخاطب بود؛ «ترافیک» نمایان‌گر محو شدن مرز بین فضای «مقدس» موزه و «ترافیک» روزمره در حجم تعاملات و گستردگی آثار بود (Verzotti 1996).

کاتالوگ این نمایشگاه با مقدمه‌ای که توسط نیکولا بوربو نوشته شد، تبدیل به یکی از اولین متن‌هایی شد که به مسئله نام‌گذاری هنر در دهه ۱۹۹۰ م. و گردآوری مجموعه‌ای از هنرمندان تحت یک عنوان واحد می‌پرداخت؛ تا جایی که برچسب «زیبایی‌شناسی ارتباطی» که برای نخستین بار در کاتالوگ این نمایشگاه استفاده شد، با تأکید بر روابط اجتماعی و مشارکت مخاطب در ایجاد اثر هنری، پس از این نمایشگاه به یکی از مفاهیم جدانشدنی برای تشریح و صحبت در باب هنر معاصر تبدیل شد (Wallace 2014). هرچند این نمایشگاه نتوانست نقدهای مثبتی را از منتقدان دریافت کند. عمده نقدهایی که به این نمایشگاه شد، انتخاب موزه، عدم تطابق آثار با فضای موزه و عدم هماهنگی تکنیکی و رسانه‌ای میان آثار را هدف قرار داد و تمامی این‌ها نشان‌گر، پیش‌تاز بودن این رویکرد و عدم پذیرش و درک آن از سوی جامعه هنری بود؛ با آنکه این نمایشگاه، دغدغه خود را بر نام‌گذاری، معرفی و تشریح بخشی از هنر دهه ۱۹۹۰ م. گذاشته بود، بسیاری، ایده

جدول ۱. مشخصه‌های نمایشگاه‌های «سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی» و «ترافیک». (نگارندگان).

مشخصه‌ها	نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی»	نمایشگاه «ترافیک»
نمایشگاه/نوع نمایشگاه	گروهی/چیدمان	گروهی/چیدمان
سال برگزاری	۱۹۶۶ م.	۱۹۹۶ م.
مکان	موزه	موزه
نوع کیوریتور	کیوریتور سازمانی: کیوریتور بخش نقاشی و مجسمه «جویش میوزیوم»	کیوریتور مستقل: بر مبنای اطلاعات موجود و ارائه شده (آنکه انتخاب مکانی به عنوان موزه از سوی کیوریتور مورد انتقاد منتقدان قرار گرفته بود).
دست‌آورد نمایشگاه‌ها	معرفی و شکل‌بخشی «هنر مینیمال»	نام‌گذاری و شکل‌بخشی «هنر رابطه‌ای»
نقدها	غالباً مثبت	غالباً منفی

نمایشگاهی در قالب جدولی ارائه شده است تا با بررسی مشخصه‌های کلی و ظاهری، به آشکارسازی کنش‌های کیوریتوری یاری‌رسان باشد. در (جدول ۱) به مشخص‌سازی و مقایسه نوع نمایشگاه‌ها، سال و مکان برگزاری، حضور کیوریتور و نوع آن، دستاوردها و نقدهای شکل‌گرفته، پرداخته شده تا مشخصه‌های ظاهری نمایشگاه‌ها در یک مجموعه قابل رویت باشند.

### تحلیل نقش کیوریتوری در شکل‌دهی به جریان‌های هنری

با توجه به نمونه‌های اشاره شده، علیرغم اینکه مکان هر دو نمایشگاه مشابه است - هر دو در موزه برگزار شده‌اند - و نوع کیوریتور متفاوت می‌باشد - یک کیوریتور سازمانی نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی» و یک کیوریتور مستقل نمایشگاه «ترافیک» را سازمان‌دهی کرده‌اند - لیکن، کیوریتورها، در روند برنامه‌ریزی و

برگزاری نمایشگاه‌ها از ویژگی‌های مشترکی بهره برده‌اند که منجر به جریان‌سازی در هنر زمان خودشان شد. آنچه که وجه مشترک کیوریتورهای هر دو نمایشگاه است، آشنایی با قلمروی هنر و جریان‌های نوظهور است که این توانایی را به آن‌ها می‌داد تا آثار و فعالیت‌های هنرمندان مورد نظر خود را رصد و پیگیری کنند و بر اساس نقدها، مشاهدات و کمبودهایی که احساس می‌شد، بر یک حیطةی مشخص تأمل و تمرکز کنند، سپس به شناسایی ظرفیت‌ها، ایده‌پردازی و برنامه‌ریزی برای شکل‌دهی به یک جریان هنری بپردازند. برای دستیابی به این مهم، هر یک از کیوریتورها به هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی منظم و مدونی پرداختند و تمرکز ویژه‌ای به فضا و نحوه چیدمان و نوآوری در ارائه آثار داشتند، به این صورت که به‌منظور ایجاد یک نظم هماهنگ، به صورت هدفمند از هنرمندان منتخب دعوت کردند و زیر یک عنوان مشخص، بر اساس یک نظام تئوریک آثارشان را ارزیابی و ارائه کردند.

جدول ۲. فرایندهای نمایان کیوریتوری در نمایشگاه‌های «سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی» و «ترافیک». (نگارندگان).

فرایندهای نمایان	نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی: مجسمه‌سازان جوان‌تر آمریکایی و بریتانیایی»	نمایشگاه «ترافیک»
۱	شکل‌گیری ایده بر اساس نقدها، نوشتارها و مشاهدات	شکل‌گیری ایده بر اساس مشاهدات، تجربه‌های پیشین و فقدان در نظریه‌پردازی در ارتباط با هنر دهه ۱۹۹۰ م
۲	انتخاب عنوان در جهت ایده	انتخاب عنوان در جهت ایده
۳	تعیین هدف	تعیین هدف
۴	انتخاب هنرمندان	تعیین مکان (بر مبنای آنکه نوع کیوریتور مستقل بوده است).
۵	بسط هدف و ایده نمایشگاه	انتخاب هنرمندان
۶	بهره‌گیری و اثرپذیری از نظریات فلسفه پدیدارشناسی در راستای چیدمان نمایشگاه	ارائه چارچوب نظری برای تبیین گرایش‌ها، رویکردها و مهار سبک‌های موجود و متنوع در آثار
۷	انتخاب شیوه و مدیریت ساختار و چیدمان نمایشگاه متناسب با چارچوب نظری و در جهت کنترل تنوع موجود در کارها	اتخاذ شیوه متناسب با چارچوب نظری
۸	انتشار کاتالوگ نمایشگاه	انتشار کاتالوگ نمایشگاه
۹	تبلیغات گسترده	—

ابتدایی» و «ترافیک» از ایده تا اجرا به‌صورت خلاصه قابل مشاهده است.

### کیوریتور به مثابه مؤلفی جریان‌ساز

کیناستون مک‌شاین و نیکولا بوریو، به‌عنوان دو الگوی کیوریتوری موفق در عرصه جریان‌سازی در هنر معاصر نشان دادند که کیوریتور چگونه می‌تواند در مقام یک مؤلف به خلق نظریه و جریان در هنر معاصر بپردازد. هرچند نباید از نظر دور داشت که شکل‌گیری یک جریان هنری به عوامل بسیاری وابسته است که در جهان امروز یکی از آن‌ها نیز به نقش کیوریتور می‌تواند مرتبط باشد. بنابراین کیوریتور را می‌توان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در شکل‌گیری جریان‌های هنری معاصر دانست. بدین معنی که کیوریتور می‌تواند با ایده‌پردازی، خلق چارچوب مفهومی و ساختاری، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در ارتباط با درون‌مایه‌ی مفهومی و محتوایی و البته ساختار یک نمایشگاه بپردازد. بدین‌ترتیب، بر اساس آنچه مطرح شد، کیوریتور در

در این نمایشگاه‌ها همچنان مشاهده شد که کیوریتورها در راستای استحکام بخشیدن به نمایشگاه، تا چه اندازه، به یک چارچوب نظری مشخص اهمیت می‌دادند و به پشتوانه مبانی فلسفی و یا نظریه‌پردازی در ارتباط با گرایش هنری ارائه شده، ساختار نمایشگاه را از لحاظ تئوریک قوام بخشیدند. در ادامه، کیوریتورها، به جهت آنکه ایده را منتقل سازند، با بهره‌گیری از شیوه‌های اجرایی و گردانندگی خاص، به نحوه «ایجاد ارتباط» با مخاطب توجه کرده و در جهت انتقال مفاهیم و رویکردها به انتشارات و کاتالوگ به‌عنوان منبعی اثربخش برای درک پیچیدگی‌های نمایشگاه اهمیت دادند. همچنین، مشاهده شد که در ارتباط با نمایشگاه «سازه‌های ابتدایی» کیوریتور آن چگونه به تبلیغات گسترده ارج نهاده و با بهره‌گیری از تأثیرات رسانه‌ها - چه تخصصی و چه غیر - نقدهای مثبتی را حول نمایشگاه شکل داده و بدین‌ترتیب باعث گستردگی و تثبیت یک جریان هنری شده است. در (جدول ۲) روند کیوریتوری طی شده در نمایشگاه‌های «سازه‌های

جدول ۳. ویژگی‌های حرفه‌ای کیوریتور در راستای شکل‌بخشی به جریان‌های هنری. (نگارندگان).

ردیف	ویژگی‌ها
۱	آشنا با عرصه هنر و جریان‌های نوظهور
۲	رویت، رصد و پیگیری کارها و فعالیت‌های هنرمندان
۳	تأمل و تمرکز بر یک اتفاق خاص هنری
۴	هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی
۵	توجه به فضا و نحوه چینش
۶	نوآوری در ارائه و پایبند نبودن به شیوه‌های سنتی
۷	آشنا با نظریه‌پردازی‌های فلسفی در جهت ایجاد مبنایی نظری و حتی عملی برای نمایشگاه
۸	آشنا با شیوه‌های اجرایی، گردانندگی و هدایت‌گری
۹	توجه به روش‌های ارتباطی
۱۰	اهمیت دادن به نشریات و کاتالوگ نمایشگاهی برای ایجاد درک صحیح از نمایشگاه
۱۱	توجه به مخاطب عام و خاص
۱۲	تعامل صحیح با رسانه‌ها و توجه به تبلیغات

مجموع، با زمان‌بندی درست و مناسب در جهت ارائه ایده، وجود برنامه و دستور کار مشخص، پشتیبانی یک چارچوب نظری محکم، خلاقیت و نوآوری، وجود کاتالوگی جامع در جهت درک پیچیدگی‌های اهداف و آثار نمایش داده شده، بهره‌گیری از رسانه‌های عمومی و تخصصی در راستای شکل‌گیری نقدهای جدی حول نمایشگاه و دیگر عناصری چون توجه به مخاطب و هنرمند، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد جریان‌های هنری داشته باشد. نباید از نظر دور داشت که در مشخص‌سازی نقش و جایگاه کیوریتور در روند شکل‌گیری جریان‌های هنری، نوع نمایشگاه «گروهی» یا «انفرادی» و نوع کیوریتور اینکه «سازمانی» باشد یا «مستقل» نقش مهمی ایفا می‌کند. لیکن با توجه به مراحل و فرایند برگزاری نمایشگاه‌ها از شروع تا پایان مشخص شد که چه کیوریتور «سازمانی» و چه «مستقل» در نمونه‌های اشاره شده در ایده‌پردازی و اجرا استقلال عمل داشته و در تمامی مراحل کار اعمال نظر کرده‌اند. اما چنانچه نهاد یا سازمانی برای خلق یا معرفی یک «جریان هنری» از یک کیوریتور دعوت می‌کند و یا کیوریتور مستقلاً خود، تصمیم به گردهم‌آوری و معرفی یک جریان هنری می‌نماید، تسلط کیوریتور بر هر یک از مراحل طی شده ضروری است. ویژگی‌های فعالیت‌های کیوریتوری نیز، با توجه به آنکه در هر دو الگوی تحلیل شده در مقاله قابل مشاهده‌اند و مؤلفه‌های برآمده از آن‌ها، می‌تواند به منظور برنامه‌ریزی برای نمایشگاه‌های هنری که به دنبال جریان‌سازی در هنر هستند نیز تعمیم داده شود، در نتیجه، در طی یک جدول (جدول ۳) به صورت خلاصه ارائه شده‌اند تا ویژگی‌های حرفه‌ای کیوریتور (ی) بر اساس الگوهای موردی نمایان گردد.

### نتیجه‌گیری

مطالعه مقوله کیوریتوری و نحوه تأثیرگذاری آن بر روند شکل‌گیری جریان‌های هنری در عرصه هنری جهان، با توجه به اهمیت یافتن و مطرح‌شدن هرچه بیشتر کیوریتور در بستر هنر معاصر ایران و ضرورت‌هایی که پیش‌تر مطرح شد اهمیت یافته و بر این مینا این پژوهش تمرکز خود را بر این موضوع قرار داده است.

بررسی‌های این پژوهش روشن ساخت که کیوریتور به صورت کلی می‌تواند در شناسایی، معرفی، گسترش و سپس تثبیت جریان هنری نقش داشته و در جایگاه رهبر نمایشگاه، با مدیریت و تصمیم‌گیری صحیح و به‌موقع و بهره‌گیری و تعامل با دیگر ارکان واسطه‌های هنر، یک عامل مهم در فرایند شکل‌بخشی به جریان‌های هنری باشد. کیوریتور به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شخصیت‌های واسطه در دنیای معاصر هنر، در راستای شناسایی و ایجاد جریان‌های هنری، باید با مطالعات فراگیر در حوزه‌های گوناگون و همچنین رجوع به رسانه‌ها و انتشارات تخصصی، به شناسایی هنرمندان پرداخته و پیگیر فعالیت‌های ایشان باشد. چراکه، چنانچه مشخص شد، کیوریتور، با پیگیری فعالیت هنرمندان و با تأمل در گرایش‌های هنری ایشان باعث شناسایی جریان هنری می‌گردد و بدین‌وسیله کیوریتور، با تأمل در گرایش‌های هنری هنرمندان و مرتبط ساختن آن‌ها با مبانی تئوریک، زمینه را برای خلق یک جریان هنری فراهم می‌آورد. کیوریتور همچنین در جهت معرفی جریان هنری، در مقام کسی که مستقیماً میان نهاد هنری، هنرمند و مخاطب در فعالیت است و با توجه به آنکه رسانه نمایشگاه را برای عرضه و نمایش در اختیار دارد، می‌تواند با مدیریت صحیح نمایشگاه به اشکال گوناگون، مانند دعوت از صاحب‌نظران، اصحاب رسانه و شخصیت‌های نمادین به معرفی جریان هنری بپردازد. در ادامه، با توجه به آنکه کیوریتور در زمینه‌ی شناسایی و معرفی یک جریان هنری عاملی مهم محسوب می‌گردد و با در نظر گرفتن آنکه بخشی از فعالیت وی در تعامل با مخاطب عام و خاص خلاصه می‌گردد، از این جهت کیوریتور با تعامل صحیح با دیگر ارکان هنر به‌مانند رسانه‌های تخصصی و عمومی، منتقدان، مجموعه‌داران و نهادهای هنری، می‌تواند باعث ایجاد نقدها و بحث‌هایی حول نمایشگاه شده و در جهت گسترش آن نیز مؤثر واقع شود. با در نظرگیری تمامی این‌ها، کیوریتور، همچنین، با اقداماتی که در جهت شناسایی، معرفی و گسترش یک جریان هنری صورت می‌دهد، در واقع زیرساخت‌های لازم را برای تثبیت هنرمندان دخیل در جریان و خود جریان هنری تقویت می‌سازد. با توجه به

18. Art movement
19. Jewish Museum
20. Black White + Gray
21. Wadsworth Atheneum Art Museum
۲۲. در آغاز، این شکل از هنر را، «Object art»، «art»، ABC  
Cool art و همچنین «Reductive art» و «Literal-ism» خطاب می‌کردند.
23. Clement Greenberg (1909-1994)  
منتقد هنر قرن بیستم
24. Abstract Expressionism
25. Jackson Pollock (1912-1965)  
نقاش آمریکایی - از پیشگامان جنبش «اکسپرسیونیست  
انتزاعی»
26. Barnett Newman (1905-1970)  
نقاش آمریکایی - از پیشگامان جنبش «اکسپرسیونیست  
انتزاعی»
27. Jens Hoffmann (b. 1974)
28. Other Primary Structures
29. Lucy Lippard (b. 1937)  
نویسنده، منتقد هنر، فعال و کیوریتور آمریکایی
30. The Museum of Modern Art - MOMA
31. Art in America
۳۲. باربارا رز (۱۹۳۶ - ۲۰۲۰ م.) «Barbara Rose» مورخ  
هنر، منتقد هنر، کیوریتور و استاد دانشگاه اهل آمریکا بود  
که فعالیتش اکثراً حول هنر قرن بیستم آمریکا، به‌ویژه  
«مینیمالیسم» و «اکسپرسیونیسم انتزاعی» و همچنین  
هنر اسپانیا متمرکز بود.
33. ABC art
34. Donald Judd (1928-1994)  
هنرمند آمریکایی - فعال در سبک «مینیمالیسم»
35. Specific Objects
36. Structure
37. Sol LeWitt (1928-2007)  
هنرمند آمریکایی - پیشگام در دو جنبش «هنر مفهومی» و  
«هنر مینیمال»
38. Robert Morris (1931-2018)  
هنرمند آمریکایی - از چهره‌های شاخص «هنر مینیمال»
39. Carl Andre (b. 1935)  
هنرمند مینیمالیستی آمریکایی
40. Donald Judd (1928-1994)  
هنرمند آمریکایی - فعال در سبک «مینیمالیسم»
41. Dan Flavin (1933-1996)

آنچه مشخص شد، پیشنهاد این پژوهش در زمینه‌  
اجرایی، درونی‌سازی این قسم از الگوها و بررسی  
همه‌جانبه‌ مقوله کیوریتوری و تأثیرات آن در جهت  
کار بست آن در عرصه هنر ایران است. در زمینه پژوهشی  
نیز پیشنهاد می‌گردد تا چرایی عدم اثربخشی ارکان  
واسطی چون کیوریتور در بستر هنر ایران مورد بررسی  
قرار گرفته و نمایشگاه‌های هنری بیشتر از این جنبه  
مورد بررسی قرار گیرند تا با توجه به این موضوع،  
مطرح‌سازی و عرضه هنر معاصر ایران هم‌گام با جهان  
حرکت کند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Curator
2. Globalization
3. Biennial or Biennale  
طرز نگارش آن بسته به پیشینه فرهنگی فرد متغیر است.
4. Primary Structures: Younger American and  
British Sculptors
5. Traffic
6. Minimal art
7. Relational art  
این مفهوم در واقع گونه‌ای «هنر تعاملی» است که بر «زمینه‌های  
اجتماعی» تولید اثر تأکید دارد.
8. Mediator
9. Cultural Diamond
10. Victoria D'Alexander (b. 1959)  
نویسنده و استاد جامعه‌شناسی و مدیریت هنری در دانشگاه  
«گلداسمیتز» لندن
11. Freelance or Independent curator
12. Institutional curator
13. Gonca Aslan  
محقق هنری اهل ترکیه
14. Cagri Bulut  
استاد دانشگاه و پژوهش‌گر اهل ترکیه
15. Ieva Vitkauskaitė  
پژوهشگر هنر در زمینه هنرهای دیداری و اجرایی
16. Kynaston McShine (1935-2018)  
یکی از کیوریتورهای مطرح عصر حاضر که در شناساندن هنر  
معاصر تلاش بسیار کرده است.
17. Nicolas Bourriaud (b. 1965)  
کیوریتور و نظریه‌پرداز فرانسوی



65. Postfluxus

66. Philippe Parreno (b. 1964)

هنرمند فرانسوی چندرسانه‌ای

67. Liam Gillick (b. 1964)

هنرمند هنرهای معاصر بریتانیایی

68. Pierre Huyghe (b. 1962)

هنرمند فرانسوی چندرسانه‌ای

69. Maurizio Cattelan (b. 1960)

هنرمند ایتالیایی یکی از بنام‌ترین و جنجالی‌ترین هنرمندان هنر معاصر

70. Vanessa Beecroft (b. 1969)

هنرمند ایتالیایی - آمریکایی معاصر و فعال در «هنر اجرا»

71. Henrik Plenge Jakobsen (b. 1967)

هنرمند دانمارکی - تبار چندرسانه‌ای و مفهومی

72. Dada

73. Conceptual art

74. John Cage (1912-1992)

نظریه‌پرداز، هنرمند و فیلسوف آمریکایی

75. Fluxus

76. Allan Kapro (1927-2006)

نقاش آمریکایی و پیشگام در ایجاد مفاهیم «هنر اجرا»

### کتابنامه

بابایی‌فلاح، هادی (۱۳۹۷). جریان‌سازی هنری نگارخانه‌ها در ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.

پاکباز، رویین. (۱۳۹۵). *curator*. در فرهنگ اصطلاحات هنری و اعلام هنرمندان: دوسویه چ ۳ (۴۷). تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

پوریامهر، الهام. (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان کیوریتینگ در هنر معاصر ایران». پایان‌نامه دکترای تخصصی. گروه پژوهش هنر. دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س).

تنکرمی باقری‌نژاد، رودابه. (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی نمایشگاه‌گردانی در ایران و غرب با تأکید بر نقش اجتماعی هنر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه پژوهش هنر. دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س).

شاکر، وحید و گودرزی، مصطفی. (۱۳۹۶). *مقدمه‌ای بر مطالعه بازار مالی و اقتصادی هنرهای تجسمی معاصر ایران در سه دهه اخیر*. تهران: انتشارات مهر نوروز.

هوفمان، ینس. (۱۳۹۷). *الفبای هنر امروز*. ترجمه افرا صفا. تهران: چاپ و نشر نظر.

Aslan, Gonca, & Cagri Bulut. "The Role of Curator

هنرمند آمریکایی - هنرمند مینیمالیستی

42. Ellsworth Kelly (1923-2015)

هنرمند آمریکایی که در زمینه «هنرکناره‌بارز» و «هنر مینیمال» فعال بود.

43. Anthony Caro (1924-2013)

مجسمه‌ساز انتزاعی انگلیسی - آثارش بیشتر سرهم‌بندی «حاضرآماده‌های صنعتی» بودند.

44. Tony Smith (1912-1980)

هنرمند تجسمی، مجسمه‌ساز «مینیمالیستی» و نظریه‌پرداز هنری

45. Judy Gerowitz, now known for Judy Chicago (b. 1939)

هنرمند و نویسنده فمینیستی

46. The Phenomenology of Perception (1945)

47. Maurice Merleau-Ponty

(1908-1961) فیلسوف فرانسوی

۴۸. انتخاب آنتونی کارو به‌عنوان یکی از بخش‌های این نمایشگاه به‌دلیل نوع صنعتی آثارش و نحوه ارائه آن بود. چراکه، وی، آثار خود را بدون پایه و بی‌واسطه به مخاطبان عرضه می‌نمود.

۴۹. تونی اسمیت، به علت آنکه غالباً به‌عنوان اولین هنرمند مجسمه‌ساز مینیمالیستی شناخته می‌گردد، به عنوان یکی از بخش‌های نمایشگاه انتخاب شد.

50. Life magazine

51. Time magazine

52. Newsweek

53. ARTnews

54. Reductive art

55. John Ashbery (1927-2017)

شاعر و منتقد هنر آمریکایی

56. Artist as designer

57. Documentation

58. CAPC musée d'art contemporain de Bordeaux

59. Relational Aesthetics

60. New Art

61. Félix González-Torres (1957-1996)

هنرمند تجسمی کوبایی - آمریکایی

62. Rirkrit Tiravanija (b. 1961)

هنرمند هنرهای معاصر تایلندی

63. Neo-conceptual art

64. Neo-fluxus

[https://www.henrikplengejakobsen.net/sider/works/99\\_92/alternativesociety.html](https://www.henrikplengejakobsen.net/sider/works/99_92/alternativesociety.html), accessed November 20 (2020).

Martiniq, Elena. "How The Primary Structures Exhibition of 1966 Changed Course of Art History." Subsequently republished at <https://www.widewalls.ch/magazine/primary-structures-exhibition-1966>, accessed November 16 (2020).

Ricci, Benedetta. "The Shows that Made Contemporary Art History: Primary Structures." Subsequently republished at <https://magazine.artland.com/the-shows-that-made-contemporary-art-history-primary-structures/>, accessed November 20 (2020).

Ryan, Bartholomew. "Alter modern: A conversation with Nicholas Bourriaud." Subsequently republished at <https://www.artnews.com/art-in-america/interviews/altermodern-a-conversation-with-nicolas-bourriaud-56055/>, accessed November 20 (2020).

Singsen, Doug. "Primary Structures." Subsequently republished at <https://www.oxfordartonline.com/groveart/view/10.1093/gao/9781884446054.001.0001/oao-9781884446054-e-7002090821>, accessed November 17 (2020).

Tsingou, Emily. (1996). "Traffic." Subsequently republished at [http://www.zingmagazine.com/zing3/reviews/027\\_traffic.html](http://www.zingmagazine.com/zing3/reviews/027_traffic.html), accessed November 22 (2020).

Verzotti, Giorgio. "Traffic." Subsequently republished at <https://www.artforum.com/print/reviews/199605/traffic-53736>, accessed November 22 (2020).

مکانیاب منبع یکسان (URL):

1- "Major Exhibition of Global 1960s Sculpture Opens March 14." Subsequently republished at <https://thejewishmuseum.org/press/press-release/other-primary-structures-release>, accessed November 22 (2020).

in Postmodern Epoch: A Manager, A Leader, An Innovator or All?" International Journal of Cultural and Creative Industries 1, no.4 (2014).

Graham, Beryl, and Sarah Cook. Rethinking curating: Art after new media. mit Press, 2010.

Smith, Terry. Thinking contemporary curating. Independent Curators International, 2012.

Vitkauskaitė, Ieva. "The Role of the Freelance Curator in an Art Exhibition." European Journal of Interdisciplinary Studies 7, no. 2 (2015).

Wallace, Ian. "10 Exhibitions That Changed the Course of Contemporary Art". Artspace, 7 (2014).

### منابع اینترنتی

- وزیربزرگ، رقیه‌سادات. «هنر کنار هم بودن به روایت نیکولا بوریو». بازیابی شده در تاریخ ۳ آذر (۱۳۹۹) از

<https://avammag.com/75121/%D9%87%D9%86%D8%B1-%DA%A9%D9%86%D8%A7%D8%B1-%D9%87%D9%85-%D8%A8%D9%88%D8%AF%D9%86>

Bourriaud, Nicolas. "Traffic: Space-times of the Exchange." Subsequently republished at <http://www.mayrevue.com/en/traffic-espaces-temps-de-lechange>, accessed November 26 (2020).

Freedman, Cari. "Traffic." Subsequently republished at <https://www.frieze.com/article/traffic>, accessed November 26 (2020).

Gali, Andre. "Portraying the 90s." Subsequently republished at <http://www.norwegiancrafts.no/articles/a-synthetic-man-in-altermodern-times>, accessed November 21 (2020).

Gasparina, Jill. "(Re) producing the Exhibition, (Re) thinking Art History. On the Visual Archives of Primary Structures." Subsequently republished at <https://journals.openedition.org/critiquedart/21192/>, accessed November 15 (2020).

Jakobsen, Henrik Plenge. (1996). "Alternative Society, Traffic." Subsequently republished at